

## فتوح السلاطین معروف به شاهنامه هند

فتوح السلاطین اولین نمونه شعر حماسی فارسی در هند است که به نام شاهنامه هند شهرت دارد. این اثر به بررسی تاریخ هند از آغاز فرمانروایی مسلمانان در دوره حکومت محمود غزنوی (۹۹۸/۳۸۸-۴۲۱ هـ/۱۰۳۰ م) تا پایان حکومت سلطان محمد بن تغلق (سال تکمیل این اثر در سال ۷۵۱ هـ) می‌پردازد یعنی دارای تاریخ سیصد سال هند را داراست. فتوح السلاطین را می‌توان تا حدی ادامه کار شاهنامه فردوسی به‌شمار آورد چرا که شاهنامه فردوسی با گزارش تاریخ محمود غزنوی به پایان می‌رسد.

نگارنده این اثر عصامی است که هم اسم خانوادگی و هم تخلص اوست. اسم کامل و احوال عصامی از هیچ مأخذی بدست نمی‌آید. اسپرنگر در فهرست نسخ خطی کتابخانه‌های شاهان اوده، از تذکره‌ای به نام خزینه گنج الهی تألیف عمادالدین حسینی نام برده است. در فهرست اسامی شعری که تراجم آنها در این تذکره آمده است، نام خواجه عبدالملک عصامی به چشم می‌خورد.<sup>۱</sup>

اته (Eithe) ضمن معرفی نسخه خطی فتوح السلاطین، موجود در کتابخانه دیوان هند در شهر لندن<sup>۲</sup> همین عبدالملک عصامی را نگارنده فتوح السلاطین قرار داده است. علاوه بر این در کتابخانه آصفیه، حیدرآباد نسخه خطی اثری به زبان عربی به نام النجوم العوالی فی ابناء الاوائل التوالی نگهداری می‌شود که نگارش شیخ عبدالملک عصامی است.<sup>۳</sup> یوشع، مصحح فتوح السلاطین، نظر به این اطلاعات و عقیده اته گمان می‌کند

۱. اسپرنگر، ص ۸۱

۲. اته، ج ۱، شماره ۸۹۵

۳. فهرست نسخ خطی کتابخانه آصفیه، ج ۱، ص ۲۱۲.

که بعید از قیاس نیست که خواجه (شیخ) عبدالملک عمامی همان سراینده فتوح السلاطین باشد.<sup>۱</sup>

با توجه به اینکه از مأخذ هم عصر عمامی و یا مأخذ متأخر، اطلاعاتی درباره احوال زندگی و آثار عمامی به دست نمی آید، ناگزیر است به اطلاعات موجود در فتوح السلاطین اکتفا نماییم. آنچه از کتاب فتوح السلاطین درباره زندگی و آثار عمامی به دست می آید بدینقرار است:

عمام جدّ اعلی سراینده فتوح السلاطین بوده است<sup>۲</sup> که شناخته شده نیست. خانواده عمامی از همین شخص اسم خانوادگی «عمامی» را اختیار کرد. به گفته یوشع یکی از افرادی که در گذشته دارای این لقب بوده و برای نیکو خصلتی شناخته شده بود، حاجب نعمان بن مندر بوده است.<sup>۳</sup>

فخرالملک عمامی اولین کسی است که از خانواده عمامی وارد هند شد و نسب صاحب فتوح السلاطین به پنج واسطه به او می رسد. وی در دوران خلافت دو یا سه خلیفه عباسی سمت وزارت را به عهده داشت. وی به دلیل خودکامگی یکی از خلفای مذکور، رنجیده خاطر شد و از سمت خود استعفی داد و با افراد خانواده خود به هند منتقل گردید. آنها اول به ملتان رسیدند. بعضی از آنها در ملتان ماندند و برخی دیگر همراه با فخرالملک عمامی عازم دهلی شدند. سلطان شمس الدین ایلتتمش (۶۰۷/۱۲۱۱-۱۶۳۹/۶۳۳) بعد از شنیدن خبر ورود وزیر اسبق بغداد به دهلی، به استقبال و پیشواز او شتافت و همراه وی به دهلی آمد و منصب وزارت را به او تفویض کرد.<sup>۴</sup> فخرالملک تا سی سال منصب وزارت را به عهده داشت. فخرالملک پسری داشت به نام صدرالکرام عمامی که در دوره حکومت ناصرالدین (۱۲۴۶/۶۴۴-۱۲۶۶/۶۶۴)، نبیره سلطان شمس الدین ایلتتمش، مخاطب به ظهیرالممالک (ظهیرالملک) بود و سمت

۱. فتوح السلاطین، مقدمه، ص ۲.

۲. همان، ص ۱۴۸.

۳. همان، ص ۲.

۴. همان، ص ۱۲۷-۱۲۸.

وکالت را به عهده داشت.<sup>۱</sup>

عزالدین عصامی فرزند صدرالکرام عصامی که جدّ سراینده فتوح السلاطین است، به ظاهر در دوره سلطنت سلطان غیاث‌الدین بلبن (۱۲۶۶/۶۶۴-۱۲۸۷/۶۸۶) به منصب سپهسالاری رسید.<sup>۲</sup> عصامی ذکری از پدر خود نکرده است شاید علتش این باشد که پدرش در دوران کودکی‌اش در گذشته و جدّش عزالدین عصامی او را بزرگ و تربیت کرده است. عصامی از اسلاف خود شنیده بود که شاهان قدیم دو روستا در نزدیکی دهلی، که هر یک «از عیش باغ نعیم» بود، به عنوان جاگیر (اقطاع) به بزرگان او داده بودند. خانواده‌اش سال‌ها از این دو ده «بسی مال‌ها» بدست آورد ولی غیاث‌الدین تغلق این جاگیر و زمین را پس گرفت:

شنیدم چو نوبت به تغلق رسید به یکبار آن هر دو موضع کشید  
عصامی که خود را «عرب‌زاده هندی نژاد» می‌خواند،<sup>۳</sup> در دهلی متولد شد. احتمالاً وی در اوایل سال ۷۱۱ هجری به دنیا آمده است.<sup>۴</sup> اطلاعاتی درباره تاریخ و محل وفات وی در دست نیست. جدّ وی عزالدین عصامی تا شانزده سالگی او را تربیت کرد. سلطان محمد (۱۳۲۵/۷۲۵-۱۳۵۱/۷۲۵) بن تغلق شاه، بنابر بدگمانی به اهل دهلی<sup>۵</sup> در سال ۱۳۷۴/۷۷۶ دستور داد که اهل دهلی به دولت‌آباد واقع در دکن که آن ناحیه اخیراً فتح شده بود، بروند. وی تعداد زیادی از مردمان دهلی را به‌زور به آن نواحی راند. عصامی همراه با پدر بزرگ و مربی و سرپرست خود، عزالدین عصامی، که در آن وقت پیر مرد نود ساله‌ای بود، براه افتاد. پدر بزرگ وی با این کبرسن نتوانست مشکلات سفر را تحمل کند و در همان اوایل سفر در دهکده‌ای به نام تلیت فوت کرد.<sup>۶</sup> و عصامی را تنها گذاشت. عصامی همراه با دیگر اهالی دهلی بعد از تحمل مشکلات و زحمتهای

۱. فتوح السلاطین، ص ۱۳۷، ۱۴۸، ۴۴۸.

۲. همان، ص ۴۴۶/۴۴۸.

۳. همان، ص ۳۰.

۴. همان، یوشع ص ۳.

۵. همان، ص ۴۴۷.

۶. همان، ص ۴۴۶.

زیاد در سن شانزده سالگی به دولت‌آباد رسید و در همانجا ساکن شد. ولی وی رنجیده خاطر بود. وی محمد تغلق را که باعث همه این دگرگونی‌ها و جابجایی‌ها شده بود، ضحاک، نا همایون سیر (۴۲۱)، دون خلق و ظالم سیر (ص ۴۴۶) خوانده است که مورخین بعدی نسب به این اظهارات شک و تردیدی دارند. بعد از رسیدن عصامی و اهالی دهلی به دولت‌آباد، پیش آمدهای ناگواری در آن سرزمین رخ داد که عصامی را سخت تحت تاثیر قرار داد. عصامی هیچ وقت ازدواج نکرد. او زنان را نمی‌پسندید و برای آنها به نادرستی می‌گفت:

زنان جمله در دام اهریمنند به‌خلوت همه کار شیطان کنند  
نکردن توان بر زنان اعتبار نشاید بر اهرمنان اعتبار<sup>۱</sup>

او تا حدی رنجیده خاطر بود که می‌گفت:

«اگر عاقلی هند را ترک گو و عازم حرم شو»<sup>۲</sup>.

وی می‌خواست قبل از مهاجرت منظومه‌ای که «گنج گوهر» باشد<sup>۳</sup> به شکل شاهنامه هند از خود به یادگار بگذارد. عصامی فردی تحصیل کرده و شاعری چیره دست بود. و با تاریخ آشنا بود و به آن علاقه‌مندی داشت. وی در اورنگ‌آباد در تنهایی و اضطراب زندگی می‌کرد که روزی با قاضی بهاء‌الدین حاجب قصبه برخورد و احوال خود را برای او بازگو کرد و شعر خود را هم برایش خواند.

قاضی مذکور شخصیت هنری و علمی عصامی را شناخت و او را به دربار سلطان علاء‌الدین بهمن شاه (۱۳۴۷/۷۴۸-۱۳۵۸/۷۵۹) بنیان‌گذار سلطنت بهمنی در دکن برد. سلطان عصامی را به سرودن فتوح السلاطین مأمور کرد. عصامی در ۲۷ رمضان سال ۷۵۰ هـ/۱۳۴۹ م. سرودن فتوح السلاطین را آغاز کرد و در مدت پنج ماه و نه روز و شش ساعت (به نه روز و شش ساعت و پنج ماه) در ۶ ربیع‌الاول سال ۷۵۱ هـ/۱۳۵۰ م. در دوازده هزار بیت به پایان رساند<sup>۴</sup>. و آن را به همین سرپرست خود تقدیم نمود.

۱. فتوح السلاطین، ص ۴۷۷.

۲. همان، ص ۷۰.

۳. همان، ص ۲۰.

۴. همان، ص ۶۱۳.

اطلاعی درباره اواخر زندگانی عصامی بدست نیست. وی در فتوح السلاطین چنانکه قبلاً اشاره به آن شد. آرزو نموده که «اگر عاقلی از هند رخت ببند و عازم حرم شو»<sup>۱</sup> پس بجاست اگر ما به این نتیجه برسیم که او به حجاز رفت و در همانجا آخرین روزهای زندگی خود را سپری کرد و نفس واپسین را کشید.

عصامی قبل از سرودن فتوح السلاطین نظامی گنجوی را در خواب دید، شاگردی او را قبول کرد و «به صد عصمت عصامی شد»<sup>۲</sup>. عصامی علاوه بر خمسه نظامی، شاهنامه فردوسی را هم با توجه زیادی مطالعه کرده و به این نتیجه رسیده بود:

به شهنامه آن پیر طوسی سرشت به هر داستانی که خرم نیش  
 اگر چه کند وصف بسیار چیز کند بیشتر وصف این چار چیز  
 ز شاهان فریدون و کی را مدام ستاید به سعی و جهدی تمام  
 کند وصف رستم ز گردن کشان ز اسب و سلیم و زبیر بیان

این پیر طوسی همراه با نظامی گنجوی در مثنوی فتوح السلاطین راهنما و استاد عصامی هستند. عصامی درباره مآخذ خود در فتوح السلاطین گفته است که وقایع تاریخی و احوال پادشاهان و سرلشکران را از کتب مربوطه اخذ کرد و هم از کهن سالان، دانشمندان و کارآگاهان شنید، حکایات و روایاتی را که در افواه مردم شایع بود، جمع آوری کرد و سپس خود هم تحقیقاتی به عمل آورد و سپس مطالب را تاریخ وار به سلیقه خود ترتیب داد و به نظم کشید.<sup>۳</sup> فتوح السلاطین با این بیت در حمد شروع می شود:

به نام خداوند هر دو جهان کنند ابتدا نامه کار آگهان

فردوسی وقایع تاریخی را از زمان حضرت آدم تا عصر محمود غزنوی به نظم کشیده و عصامی همه این مطالب را در مقدمه خود اجمالاً آورده است. ذکر اجمالی آدم، کیومرث، طهمورث، هوشنگ، جم، ضحاکیان، فریدون که حکومت ضحاکیان را خاتمه داد، ایرج، منوچهر، کیقباد، رو، نوذر، کاوس، کینخسرو، لهراسپ، گشتاسپ،

۱. فتوح السلاطین، ص ۳۰.

۲. همان، ص ۲۰.

۳. همان، ص ۶۱۴-۶۱۵.

اسفندیار، بهمن، هاجو دختر بهمن، داراب، دارا، اسکندر، یزدجرد، بهرام گور، هرمز، پرویز، شیرویه، بهرام چوبین، نوشیروان و غیره را که مبنی بر شاهنامه است، با این بیت به پایان می‌برد:

به‌شهنامه کم دیده‌ام یک رقم مگر قصه خسروان عجم

عصامی داستانی شگفت و باور نکردنی درباره محمود غزنوی بیان کرده است:

”پیغمبر اسلام همه بت‌های خانه کعبه را شکستند ولی بتی به نام منات بنا بر علتی محفوظ ماند که باعث نگرانی حضرت پیغمبر گردید. وحی آمد و به پیغمبر اسلام اطمینان داده شد که نگران نباشید. پادشاهی به نام محمود آن بت را که در هند خواهد بود، می‌شکند و شکل محمود را هم به پیغمبر نشان دادند.

شنیدم همان لحظه محمود را نمودند بر سرور انبیا

دعا کرد پیغمبر او را چو دید که یارب جهان را بدو ده کلید<sup>۱</sup>

در شاهنامه داستان و اسطوره و تاریخ با هم در آمیخته شده ولی فتوح السلاطین بیشتر تاریخ است. جنگ‌آوران، پهلوانان و افراد دیگر در نامه عصامی همه تاریخی و از خصوصیات غیر حقیقی مبراً هستند. بقول عصامی تفاوت دیگر بین شاهنامه فردوسی و فتوح السلاطین این است که:

اگر پیر طوسی به‌افسانه در کند وصف بد مذهبان بیشتر

نگه کن که اکثر درین بوستان رود ذکر مرغان توحید خوان

عصامی قبول دارد که او از فردوسی و نظامی پیروی کرده و شاهنامه فردوسی را طاووس، خمسه نظامی را بلبل و فتوح السلاطین خود را طوطی خوانده<sup>۲</sup> و فرق بین این سه اثر را روشن ساخته است. عصامی در مثنوی سرایی فارسی در هند جایگاهی خاص دارد. فتوح السلاطین غالب به‌یقین اولین منظومه مفصل حماسی است که در هند به پیروی از شاهنامه فردوسی سروده شده است. زبان و طرز بیان عصامی ساده و روان است. نجابت فکرش همانند فردوسی است. او مثل فردوسی جزئیات جنگ‌ها را شرح

۱. فتوح السلاطین، ص ۴۲.

۲. همان، ص ۶۰۹.

داده و پیش آمدهای تاریخی را به ترتیب خاص و تاریخ‌وار بیان می‌کند و همه جزئیات لازم آنها را اجمالاً به قید نگارش می‌آورد. صف‌آرایی ارتش، نبردآزمایی سربازان، طریق حمله سربازان، ترتیب ارتش در میدان جنگ و طریقه محاصره موضوعاتی هستند که در فتوح السلاطین مورد توجه شاعر قرار گرفته‌اند.

وی سال وقوع بعضی از پیش آمدها را هم نظم کرده که همه درست‌اند و نشان می‌دهند که عصامی آنچه به نظم آورده مبنی بر منابع معتبر است. سال تخت‌نشینی رضیه سلطان دختر ایلتمش را ۶۳۵ هجری و سال جلوس محمد شاه بن تغلق شاه را ۷۲۴ هجری، شورش گشتاسپ را در ۷۲۷ هجری، حکم عدولی بهرام ابیه را در ۷۲۸ هجری، انتقال جمعیت از دهلی را به دولت‌آباد در ۲۷-۷۲۶ هجری، یورش منگول‌ها را در ۷۲۹ هجری، عوض کردن سکه‌های مسی به طلائی را در ۷۲۹ هجری، لشکرکشی علی‌نگرکوت را در ۷۳۸ هجری، حمله به خراسان و قنوج را در ۷۳۸ ه و غیره بیان کرده است.

پیام یلدوز به ایلتمش<sup>۱</sup>، مشورت باهمی دولتمردان شمسی (ایلتمش) درباره معزولی رضیه سلطان از فروانروایی<sup>۲</sup>، گفتگو بین گرشاسپ و رام‌دیو<sup>۳</sup>، عروسی خضر خان<sup>۴</sup> و تعریف و توصیف آن توسط خضر خان پیش مادر خود<sup>۵</sup>، چگونگی کور کردن خضرخان<sup>۶</sup>، خطاب عین‌الدین ماهرو به اهل لشکر<sup>۷</sup> و مشاورت علی شه نتهو با برادران خود از جمله گزارش‌هایی است که تفصیل آنها در مأخذ دیگر نیامده است.

گزارش‌های تاریخی عصامی در فتوح السلاطین، بی‌اساس یا ساختگی نیستند<sup>۸</sup>. عصامی تاریخ سیاسی هند از دوره علاءالدین خلجی (۱۲۹۶/۶۹۵-۱۳۱۶/۷۱۵) تا زمان

۱. فتوح السلاطین، ص ۱۱۰-۱.

۲. همان، ص ۱۳۴-۱۳۵.

۳. همان، ص ۲۴۵.

۴. همان، ص ۳۲۲.

۵. همان، ص ۳۲۷.

۶. همان، ص ۳۴۵.

۷. همان، ص ۴۷۲.

۸. در تاریخ نگاری کی‌ابتدا، ص ۷۶.

حیات خود را مفصل‌تر آورده است. همچنین آنچه وی درباره تاریخ بهمن شاه و عروج وی نوشته، همه مستند و دارای اهمیت زیادی است.<sup>۱</sup> عصامی تاریخ جدّ و جهد دکنی‌ها برای آزادی از دولت مرکزی دهلی را نیز به‌حیطه تحریر آورده است. او مثل ضیاءالدین برنی شاهد عینی پیش آمدهای تاریخی و جنگ‌ها در دکن بود و در نگارش بیشتر آنها درست و معتبر است. او در حالی که در نگارش تاریخ قطعی همه پیش آمدها مثل برنی جدّی نیست، ولی واقعات را چنان با درج وقت و زمان رخ دادن آنها بیان می‌کند که می‌توان تاریخ و سال آنها را درست تخمین زد. در بیان سلسله واقعات در فتوح السلاطین به‌مشکل می‌توان اشکال و یا نقصی نشان داد.<sup>۲</sup>

عصامی در لابلای گزارش‌های تاریخی گاه گاهی حکایتی یا داستان عشقی مثل دولرانی و خضرخان را به‌نظم می‌کشد تا خواننده از یک نواختگی بیان وقایع تاریخی خسته نشود ولی این حکایت‌ها وی را از اصل هدف تألیف فتوح السلاطین منحرف نمی‌سازد.

در بعضی موارد استنباط می‌شود که عصامی نه تنها از سبک بیان فردوسی پیروی کرده بلکه حتی فکر او هم راهنمایش بوده است. فردوسی در تعریف عفت و عصمت منیژه می‌سراید:

منیژه منم دخت افراسیاب برهنه ندیده است تنم آفتاب  
عصامی درباره عصمت و عفت زنانی که همراه با اهل دهلی به دولت‌آباد مهاجرت کردند، این بیت را سروده که یادآور همین بیت فردوسی است:  
زنانی که بودند اندر حجاب ندیده به‌روزی رخ آفتاب  
دو واژه ایدر و یل یلی<sup>۳</sup> هم از شاهنامه فردوسی گرفته شده است.  
عصامی احوال بعضی علماء، دانشمندان، عرفا و دولتمردان را هم اجمالاً نظم کرده است. از آن جمله شیخ‌الاسلام ابوالفتح رکن‌الدین، برهان‌الدین غریب چشتی، زین‌الحق

۱. ادوین، تاریخ نگاری کی‌ابتدا، ص ۸۰.

۲. The Bahmanis of the Deccan، ص ۳۱۵.

۳. همان، ص ۲۱۲.



والدین و خواجه نظام‌الدین اولیاء هستند که ذکر آنها در فتوح‌السلاطین آمده است. فتوح‌السلاطین در ادبیات مذهبی و غیر مذهبی اغلباً اولین اثری است که در آن شجره مشایخ چشت نظم شده است.<sup>۱</sup> افزون بر این عصامی در چند مورد خواجه نظام‌الدین اولیا (م: ۱۳۲۵/۷۲۵) را که عارف شهیر و محترم سلسله چشتی در دهلی و در نظرش خاتم اولیا، شاه ملک سلوک بود، با احترام یاد کرده است که می‌توان استنباط کرد که او مرید این سلسله بوده باشد. عصامی مثل فردوسی در آخر گزارش‌های تاریخی، پند و اندرزهای مفیدی به‌مناسبت آن واقعه هم نظم کرده است. در جایی خطاب به فرمانروا می‌سراید:

الا ای خردمند فرخنده رای      ترا داد اگر ملک عالم خدای  
مکن بر گلیم فقیران نظر      مقام مساکین به‌غارت مبر  
اگر می‌نیاید ز دستت ثواب      مکن کرده دیگران را خراب  
شب و روز بهر فزونی گنج      دل زبردستان میاور به‌رنج

عصامی اهل دهلی بود و زادگاه خود را دوست داشت. او هیچ وقت دهلی را از یاد نبرد. وی اوصاف هند و دهلی را که به‌نظرش «عروس جهان» و هند «خالی به‌رخسار نازنین» بود، به‌مناسبت‌های مختلف به‌نظم کشیده است. وی چند بنای تاریخی دهلی مثل مسجد قبة‌الاسلام، مناره قطب، حوض شمسی، حصار و غیره را که خودش آنها را دیده بود، تعریف و توصیف می‌کند.

نظر به‌اهمیت و اعتبار تاریخی فتوح‌السلاطین، نظام‌الدین احمد در طبقات اکبری<sup>۲</sup>، فرشته در تاریخ فرشته و اخیراً هارون خان شیروانی در *The Bahmanis of the Deccan* از فتوح‌السلاطین استفاده کرده‌اند. خلیق احمد نظامی در بعضی از تألیفات خود درباره تاریخ، عرفان و تاریخ اجتماعی هند در دوره سلاطین هند از فتوح‌السلاطین نقل و اقتباس می‌نماید. نظر مورخین سیاسی و ادبی معاصر ما درباره مطالب و زبان و سبک فتوح‌السلاطین بدین قرار است:

۱. تاریخ مشایخ چشت، ص ۱۹۴.

۲. استوری، ص ۴۳۳.

عصامی تنها مورّخی است که آزادانه و به‌دور از ترس و لطف محمّد بن تغلق تاریخ دوره‌اش را نوشته است.<sup>۱</sup>

این اثر بدون شک و تردید برای تحقیقات در تاریخ دوره محمّد بن تغلق اضافه‌ای بر مآخذ مربوطه است.<sup>۲</sup>

زودگویی عصامی مهارتش در شعر و تسلّط او بر زبان فارسی را نشان می‌دهد و او در این ضمن بر فردوسی فوقیت دارد.<sup>۳</sup>

باعث تعجب است که عصامی هزارها بیت سرود و واقعات تاریخ هند را به‌نظم کشید ولی واژه‌ها، محاورات و مصطلحات زبان هندوی را اصلاً به‌کار نبرد در حالی که معاصرانش ضیاءالدین برنی (در تاریخ فیروز شاهی) و امیر خسرو در آثار خود واژه‌های بهاشا (هندوی) را به‌کار برده‌اند.<sup>۴</sup>

عصامی عارف مشرب<sup>۵</sup> و مردی حسّاس بود. به‌نوع بشر احترام می‌گذاشت. بر بیچارگی و زبون حالی انسان‌ها دلش می‌سوخت. احوال مظلومان و آفت رسیدگان او را به‌هیجان می‌آورد. در جای جای فتوح السلاطین درباره این گونه محرومین اظهار همدردی نموده و از آنها حمایت و دفاع کرده است. فروتنی و کسرنفسی از جمله مزایای اخلاقی اوست. همین خاصیتی بوده که او حتّی اسم کامل خود را در این اثر پُر ارزش خود نیاورد. وی زاهد خشک هم نبود، شوخی و ظرافت، خوش‌طبعی و بذله‌سنجی خود را در حد ادب اظهار نموده است. راست کار و راست گفتار بود. از هر گونه تبعیض پرهیز کرد.<sup>۶</sup>

نظر به‌این مزایای منظومه حماسی خود، عصامی ادّعا می‌کند که:

۱. The Delhi Saltanat، از مجمدار، ص ۶۱.

۲. فتوح السلاطین، به تصحیح مهدی حسن، مقدمه.

۳. Pre-Mughal Persian in India، از غنی، ص ۲۸۴.

۴. فتوح السلاطین، مقاله از صباح‌الدین، ص ۴۴۹.

۵. مقدمه فتوح السلاطین، به تصحیح یوشع، ص ۱۴.

۶. همان، ص ۹-۱۰.

ارزش این اثرش را کسی داند که متصف به راه راستان است.<sup>۱</sup>  
 برای آشنایی بهتر با فتوح السلاطین، بعضی از عناوین مطالب آن در اینجا نقل می‌شود:

توحید باری تعالی، نعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، صفت شب معراج، مناقب خلفای اربعه و شجره شیخ الاسلام زین‌الحق و الشَّرع والدین و مدح سکندر ثانی علاءالدین والدین ابوالمظفر بهمن شاه السلطان، در شکایت روزگار و اهل او بر آستان شاه، در تنبیه و روش سلوک، در فضیلت سخن و فضایل سخنور، صفت سعادت به‌خواب دیدن خواجه نظامی گنجه، در سبب نظم این کتاب، در ذکر جمیل قاضی بهاءالدین حاجب قصه، توحید ثانی مشتمل بر ذکر سلاطین ماضیه که در کتب سایر مذکوراند، ذکر آغاز تغلب در ملک عجم و فترت شدن، ذکر ظهور نبوت خاتم النبیین، ذکر تغلب ترکان در ملک عجم و ذکر سلطان محمود ابن سبکتگین، ذکر پادشاهان هندوستان، آغاز فتوح السلاطین از ولادت سلطان محمود غزنوی، وفات یافتن سبکتگین و جلوس محمود شاه غزنوی و تاختن در ملک هندوستان، حيله انگیختن موبد هندویی برای منات، تاختن سلطان غیاث‌الدین محمد ابن سام در غزنین، بازگشتن سلطان معزالدین محمد ابن سام از هندوستان و قطب‌الدین ایبک را گذاشتن در کهرام، عزیمت نمودن قطب‌الدین ایبک در غزنین و شمس‌الدین ایلتمش را به هندوستان گذاشتن، پنهان کردن سلطان معزالدین قطب‌الدین ایبک را زیر تخت و طلب کردن طائفه‌ای که در باب او سخنی گفته بودند، قصه رد کردن محمد بختیار خلجی از غزنین و عزیمت کردن او جانب هندوستان و گرفتن او ملک لکهنوتی را، قصه مملکت تاج‌الدین یلدوز و قطب‌الدین ایبک و ناصرالدین قباچه، خبر وفات ایبک و جلوس ایلتمش بر تختگاه دهلی، ذکر مناقب سلطان شمس‌الدین ایلتمش و عمارت دهلی، بحث کردن قاضی سعد و قاضی عماد با قاضی حمیدالدین ناگوری در باب سماع، شور انگیختن ملحدان در مسجد جامع دهلی و تلف شدن آنها در آن، ذکر آمدن فخرالملک عصامی وزیر بغداد در دهلی و وزارت یافتن او، جلوس سلطان رکن‌الدین فیروز شاه ابن ایلتمش،

۱. فتوح السلاطین، ص ۲۴۸.

جلوس سلطان رضیةالدین دختر ایلتمش، حبس شدن سلطان رضیه، جلوس سلطان علاءالدین ابن سلطان رکنالدین فیروز شاه، جلوس سلطان ناصرالدین ابن ناصرالدین، جلوس سلطان غیاثالدین بلبن خرد، کیفیت شهید شدن قآن ملک عرف محمد خان پسر بزرگ سلطان بلبن، جلوس سلطان معزالدین کیقباد پسر بغراخان، کشته شدن سلطان معزالدین کیقباد، جلوس سلطان جلالالدین فیروز شاه خلجی، ذکر کشته شدن سیّد موله، بیرون آمدن علما و فقرای دهلی به استسقا و در نمازگاه دهلی رفتن، شکار رفتن سلطان جلالالدین جانب پل کناره، ذکر فتح کهتکه و محصر شدن رام دیو، پوزش انگیختن رام دیو، ذکر ملک گرفتن سلطان علاءالدین محمد شاه، لشکر کشیدن الغ خان و نصرت خان در گجرات و فیروزی یافتن، رسیدن ترقی بار دوم در هندوستان، ذکر مجلس کردن سلطان علاءالدین و برانداختن شراب و شرابخانه‌ها، نصیحت کردن مادر خضرخان را و افسانه گفتن خضر خان پیش مادر، حکایت جلوس سلطان شهابالدین و کیفیت کور کردن خضرخان، جلوس سلطان قطبالدین، داستان شکار بدایون، کشته شدن سلطان قطبالدین بر دست خسرو خان به‌غدر، جلوس خسرو خان و خطاب ناصرالدین کردن خود را، جلوس سلطان غیاثالدین تغلق شاه، ذکر فتح تلنگ، رسیدن شیر مغل با فوج مغل در هندوستان و مصاف دادن گرشاسپ و ظفر یافتن بر فوج مغل، جلوس سلطان محمد شاه ابن تغلق شاه، مکتوب فرستادن کشلی خان بر سلطان محمد شاه، شفاعت کردن شیخ الاسلام رکن‌الحق والدین در باب اهل سیاست، آغاز ظلم سلطان محمد شاه ابن تغلق شاه در شهر دهلی و روان کردن خلق در دیوگیر (دولت‌آباد)، سبب اوّل از اسباب خرابی دهلی، رسیدن سلطان محمد در دهلی و تلف کردن بقیه دهلی، جنبیدن سلطان محمد از دهلی جانب گجرات، ذکر فتح شدن گلبرگه، جلوس سلطان علاءالدین، مرمت کردن اعظم همایون خواجه جهان دیار گلبرگه را، شبیخون زدن لشکر تراین در لشکر منصور و منهزم شدن لشکر تراین، عزیمت رایات اعلی در سمت پتن به‌عزم شکار، ذکر در تسیب این کتاب متضمن مدحت خان اعظم سکندر خان، صفت ملک هندوستان، ذکر برگشتن طغی نایب شحنه بارگاه و عاجر گشتن سلطان محمد ابن تغلق شاه از دست طغی تا سه سال و زوال ملک او، دعای دولت خلیفه بر حق علاءالدین والدین ابوالمظفر بهمن شاه، ذکر در

کیفیت تصنیف و مشقّت مصنّف، ذکر در استنصاف تصنیف و عرض مصنف، ذکر در درجه جوهر معانی و خطاب این کتاب، مختتم این کتاب متضمن نکوهش نفس و امیدواری از حضرت کردگار.

تنها دو نسخه خطّی فتوح السلاطین تاکنون شناخته شده است. یکی از آنها در کتابخانه دیوان هند، لندن و دیگری در کتابخانه شخصی محمّد غوث در حیدرآباد دکن که در اورینتل کالج میگزین، لاهور<sup>۱</sup> معرفی شده، موجود است. هر دو نسخه فاقد تاریخ استنساخ و ناقص اند. اولین نسخه شاید در قرن دهم هجری و دومین نسخه در اواخر قرن دوازدهم کتابت شده است.<sup>۲</sup> یوشع نسخه خطّی لندن را که نسبتاً بهتر و صحیح‌تر است، اساس کار خود قرار داده، بعضی از نواقص و افتادگی‌های آن را از نسخه حیدرآباد رفع کرده است و اختلاف نسخ را در پاورقی‌ها نشان داده است، باز هم او نتوانست بیش از یازده هزار و هفتصد و بیست و هفت بیت را گردآورد در حالی که بقول عصامی این حماسه او دارای دوازده هزار بیت بوده است. علاوه بر نسخه چاپی مورد نظر ما که در سال ۱۹۳۷ م. از مدرس چاپ شده، فتوح السلاطین یک سال بعد بار دیگر در سال ۱۹۳۸ میلادی از آگره چاپ گردید و آقا مهدی حسن استاد تاریخ بنگلادش که مؤلف کتابی درباره سلطان محمّد بن تغلق به انگلیسی است، آن را تصحیح نموده است.

### منابع

۱. اعظمی، دکتر شعیب: فارسی ادب به عهد سلاطین تغلق، دهلی ۱۹۸۴ میلادی.
۲. صدیقی، اقتدار حسین: *ارویش تاریخ نگاری کی ابتدا (مع پیک منظر)*، رامپور رضا لائبریری، رامپور ۲۰۰۸ میلادی.
۳. صباح الدین عبدالرحمان: فتوح السلاطین (مقاله به اردو) مجله معارف، شماره ۴۴، ۱۹۳۸ میلادی.
۴. عزیز بانو دکتر: عصامی، فردوسی هند، حیدرآباد، ۲۰۰۸ میلادی.

۱. ج XIV، شماره ۱، نوامبر ۱۹۳۷ میلادی، ص ۹۰.

۲. فتوح السلاطین، مقدمه، ص ۱۱.

۵. صباح الدین سلطنت الہویہ کے عہد میں ہندوستان سے محبت و شینگی کے جد . باب ۱۱ ، لکھنؤ ۱۹۶۳ میلادی.
۶. عصامی: فتوح السلاطین، بہ تصحیح محمد یوشع، مدرس ۱۹۴۸ میلادی (چاپ دوم).
۷. نظامی، خلیق احمد: تاریخ مشایخ چشت، ج ۱، ادارہ ادبیات دلی، دہلی ۱۹۸۰ میلادی.
8. Ethe, H: Catalogue of the Persian Mss. In the Library of the India Office, Oxford, 1903-37.
9. Ghani, M.A.: Pre-Mughal Persian in India, Allahabad, 1941.
10. Majumdar, R.K.: The Delhi Saltanat, Delhi, 1970.
11. Phillips, C.H.: Historians of India, Pakistan and Cylone, New York, 1967.
12. Sherwani, Haroon Khan: The Bahmanis of the Deccan, Munshi Ram Manoharlal, Delhi, 1985.